

مبانی قرآنی حریم خصوصی مکانی

حسین جاوید*

چکیده

حریم خصوصی مکانی، به عنوان یکی از جلوه‌های حریم خصوصی از این رو که با امنیت روانی مردم ارتباط بیشتری دارد و عمق و گستره آسیب‌های ناشی از نقض آن بسیار است، بیش از مقوله‌های دیگر اهمیت می‌یابد. حق بر حریم خصوصی مکانی، بر مبانی و ادله گوناگونی استوار است. از آنجاکه مبانی قرآنی به دلیل قطعیت سند و درجه آن در میان سلسله ادله از رتبه بالاتری برخوردار است، لازم است موقعیت این حق در دو دسته از ادله قرآنی بررسی شود. آیا حق بر حریم خصوصی مکانی، در آیات قرآن نیز مورد حمایت قرار گرفته است؟ در صورتی که پاسخ مثبت است، نحوه دلالت و حدود آن چگونه است؟ به نظر می‌رسد آیات متعددی، هم به نحو عام و هم به طور خاص بر این حق دلالت دارند؛ دسته نخست، دلایلی که به نحو عموم و به طور کلی بر حرمت نقض حریم خصوصی از جمله حریم خصوصی مکانی، دلالت دارد؛ دسته دوم، آیاتی که به طور خاص به وجود حریم خصوصی مکانی و ممنوعیت نقض آن به طور ویژه اشاره دارد. در هر دو دسته، حمایت کامل در گرو آن است که حرمت نقض نسبت به تمامی مکان‌های خصوصی، نسبت به مواردی همچون افراد ناقض حق اعم از دولتی و غیردولتی، شیوه‌های نقض اعم از با واسطه و بی‌واسطه، مورد تجسس، موقعیت شهروندان، نحوه ورود و ماندن آن، عمومیت داشته باشد و همه موارد را شامل شود. نوشتار حاضر با هدف بررسی تحلیلی دلالت آیات مذکور و آسیب‌شناسی برخی تفسیرها و همچنین توجه به برخی موارد سبک زندگی مرتبط با حریم خصوصی مکانی به بررسی آیات مرتبط پرداخته است.

واژگان کلیدی: حریم خصوصی، حق خلوت، تجسس، اماکن، نقض حریم خصوصی.

مقدمه

انسان به‌طور فطری وجود فضایی امن و خلوت را که رها از دخالت، نظارت، پایش و سرکشی باشد، نیاز خود و برخورداری از آن را حق خود می‌داند. احساس امنیت، آرامش و قدرت نفوذ اراده و اعمال خواست واقعی، از آثاری است که بر استیفای این حق بار می‌شود. از آنجاکه گاهی امنیت به مفهوم حالتی است که افراد در شرایط خاص نسبت به حفظ و صیانت حقوق مشروع خود احساس می‌کنند (شبیری زنجانی، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۵۷۱)، اگر امنیت را نوعی مصونیت از تعرض و تصرف اجباری و بدون رضایت بدانیم (همان)، مصونیت حریم خصوصی اشخاص نیز در مقوله امنیت قرار می‌گیرد و هیچ‌گونه زمینه و عاملی برای تعرض احتمالی نباید امکان تحقق یابد؛ درغیراین‌صورت امنیت و آرامش جای خود را به خوف و اضطراب خواهد داد.

از دیرباز ورود بی‌اجازه به منزل و مأوای افراد و سرکشی فضولانه از جمله روش‌های معمول در نقض حریم خصوصی مکانی بوده است، ولی امروزه امکانات جدید پایش مکانی، دوربین‌های بسیار دقیق، امکانات شنود، نظارت و رهگیری از راه دور و فناوری‌هایی که به سادگی و دقت هرچه تمام‌تر امکان نظارت، کنترل، ذخیره و انتقال اطلاعات را فراهم می‌سازند، حریم خصوصی مکانی را به‌شدت در معرض نقض قرار داده است و به‌تبع آن، امنیت روانی اشخاص را بیش از پیش با چالش جدی روبه‌رو کرده است؛ بنابراین اگر بگوییم پیشرفت صنعت و تکنولوژی، حریم خصوصی را در معرض نابودی قرار داده است، سخنی گزاف نگفته‌ایم.

«حریم خصوصی مکانی» درحقیقت پاس‌داشتن احترام منازل، اماکن و مأوای مردم و عدم هتک حرمت آن است (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸، ج ۳، ص ۱۶۲۵). نقض حریم خصوصی مکانی، الزاماً با «حضور فیزیکی» در مکان اختصاصی دیگران اتفاق نمی‌افتد، بلکه از طریق به‌کارگیری وسایل سمعی و بصری و کنترل خلوت نیز محقق می‌شود و نمی‌توان لزوماً این حق را از توابع «مالکیت» تلقی کرد. اهمیت این امر در درجه نخست، تأمین امنیت روانی اشخاص و در درجه دوم، جلوگیری از بروز نتایج زیانباری می‌باشد که ممکن است بر نقض حریم خصوصی مکانی اشخاص - به‌ویژه مبتنی بر

سوء ظن - مترتب شود.

در قلمرو حریم خصوصی، مباحث بسیاری طرح شده است، ولی از میان همه آنها بحث از مبانی و دلایل موجهه آن، از موقعیت ممتازی برخوردار است؛ از جمله آثار آن، شناخت دقیق موقعیت این نهاد در گستره حقوق اسلامی است؛ در این صورت اسلامی بودن یک نهاد و برخورداری آن از پشتوانه منابع اصیل، مستدل می‌شود. ضرورت بحث از مبانی اسلامی، هنگامی بیشتر نمایان می‌شود که بدانیم حریم خصوصی با همین لفظ از اصطلاحات نوپدید به‌شمار می‌رود و به‌همین دلیل ممکن است گمان شود همان‌گونه که این واژه از مغرب‌زمین در ادبیات حقوقی رایج وارد شده است، حق بر آن نیز از حقوق نوپدید است و فاقد پیشینه در حقوق اسلام می‌باشد، در حالی که این‌گونه نیست؛ بنابراین به‌منظور دفع شبهه و نیز شناسایی دقیق این حق در حقوق اسلامی، لازم است با تتبع در منابع اصیل فقهی، جایگاه این حق به‌درستی بازشناسایی شود.

یکی از شیوه‌های جست‌وجو در منابع برای یافتن مبانی حریم خصوصی، اصطیاد آن از میان دلایل متعدد است. در این صورت حریم خصوصی نیز در رتبه قواعد اصطیادی قرار می‌گیرد (سروش محلاتی، ۱۳۹۵، ص ۱۳۱). از آنجاکه حریم خصوصی ابعاد و اقسام متعددی دارد، بررسی مبانی هر قسم از این حقوق نیز در این‌باره مؤثر می‌باشد. در میان منابع اسلامی، قرآن به‌دلیل قطعی‌السنند بودن و برخورداری از نصوص متعددی در قلمرو حریم خصوصی مکانی، از موقعیت ویژه‌ای برخوردار است؛ به‌ویژه آنکه دلالت برخی آیات بر وجود حریم خصوصی مکانی نیز از وضوح و دلالت بسیار قوی برخوردار می‌باشد؛ از این‌رو مبانی حریم خصوصی مکانی در قرآن کریم موضوع نوشتار حاضر قرار گرفته است. در این‌باره دو دسته مبانی به‌تفکیک بررسی می‌شود؛ نخست، دسته‌ای از آیات که «به عموم خود و بر اساس ملاک» از حق حریم خصوصی مکانی حمایت می‌کنند. دوم، آیاتی که «به‌طور خاص» از این حق صیانت می‌کنند. پیش از ورود به بحث اصلی لازم است مفهوم حریم خصوصی مکانی به‌اختصار بیان شود.

۱. مفهوم حریم خصوصی مکانی و معیارهای آن

معنای حریم در لغت، «حرمت و احترام» است (دهخدا، ۱۳۷۳؛ ذیل ماده حریم/ انوری، ۱۳۸۳؛ ذیل ماده حریم). بیشتر معانی و موارد استعمال حریم در زبان فارسی و عربی مشترک و در همه موارد متضمن لزوم رعایت و ممنوعیت تعرض به آن است و اطلاق حریم بر یک مکان، بدین معنا خواهد بود که آن مکان نسبت به غیرمالک یا کسی که حق تصرف و دخالت دارد، به نوعی «منطقه ممنوعه» می باشد.

به لحاظ اصطلاحی نیز حریم از معنای «حرمت و احترام» دور نشده است. حریم، هر امر ممنوعی است که هتک آن جایز شمرده نشده باشد (سعدی، ۱۴۰۸، ص ۸۶). «ممنوعیت» در فقه به عنوان یک اثر، قدر مشترک از معانی اصطلاحی «حریم» است (لنکرانی، ۱۴۰۸، ص ۲۹۹/ مجلسی، ۱۴۰۶، ج ۶، ص ۲۴۱/ صدر، ۱۴۱۷، ج ۵، ص ۹۹)؛ اعم از اینکه به «مال»، «انسان»، «خانواده» یا هر امری مربوط باشد که در جاتی از شایستگی را برای حمایت داشته باشد؛ براین اساس «حریم خصوصی» در اصطلاح فارسی و «حیات الخاصة» در اصطلاح عربی، محدوده‌ای شخصی از زندگی را شامل می شود که انتظار می رود مصون از تعرض و دخالت در آن ممنوع باشد (قنواتی و جاور، ۱۳۹۰، ص ۸) و حقی که از آن پدید می آید، در اصطلاح فارسی «حق بر حریم خصوصی» و در اصطلاح عربی «حق الخلو» نامیده می شود. در این صورت «حریم خصوصی مکانی» در واقع پاس داشتن احترام منازل، اماکن و مأوای مردم و عدم هتک حرمت آن است (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸، ج ۳، ص ۱۶۲۵)؛ جایی که در آن جز نزدیکان و محرمان کسی دیگر حق حضور ندارد و طبیعت آن به نوعی است که اقتضا دارد خالی از بیگانه باشد و شاید اشاره آیه شریفه: «وَإِذَا خَلَوْا إِلَىٰ شَيَاطِينِهِمْ» (بقره: ۱۴) نیز به همین معناست (قرشی، ۱۴۱۲، ج ۲، ص ۲۹۷). در بند سوم ماده ۱۸ اعلامیه اسلامی حقوق بشر نیز که در تاریخ ۱۴ محرم ۱۴۱۱ ق - برابر با ۵ اوت ۱۹۹۰ م و ۱۵ مرداد ۱۳۶۹ - به تصویب رسید، ورود بدون اجازه از ساکنان آن، ممنوع دانسته شده است.

۲. موقعیت قانونی حریم خصوصی مکانی و قلمرو آن

بند ۳ ماده ۲ لایحه حمایت از حریم خصوصی، انواع خانه‌ها، چادرهای مسکونی، داخل وسایل نقلیه مسقف، بخش‌های مسکونی کشتی‌ها، اتاق‌های استراحت هتل‌ها، مهمانسراها، خوابگاه‌های دانشجویی، بیمارستان‌ها و دیگر تأسیسات مشابه یا اماکنی را که عرفاً به آن منزل اطلاق می‌شود، داخل در مفهوم حریم خصوصی مکانی قرار داده بود. مطابق ماده ۱۶ همین لایحه: «منازل و اماکن خصوصی مصون از تعرض‌اند. هیچ‌کس نمی‌تواند وارد منزل یا مکان خصوصی دیگری شود یا هر نوع وسیله پایش در آنجا قرار دهد، مگر با رضایت متصرف قانونی یا مجوز قضایی». در ماده ۱۷ این لایحه، چگونگی صدور مجوز ورود و تفتیش معلوم شده است: «مجوز ورود به اماکن خصوصی و منازل، تنها در صورت وجود ظن قوی مبنی بر ضرورت آن از قبیل جلوگیری از وقوع جرم یا کشف متهم، آلات، ادوات و ادله جرم یا جلوگیری از معدوم‌شدن ادله مربوطه و عدم امکان تحقق اهداف یادشده از سایر طرق قانونی، به صورت موردی صادر خواهد شد» و عدول از آن در ماده ۱۸، از مصادیق نقض حریم خصوصی تلقی شده بود. اگرچه این لایحه به فرجام خود نرسید، ولی حق بر حریم خصوصی مکانی، بدون اینکه از این واژه استفاده شود، در قوانین متعددی اعم از قانون اساسی و قوانین عادی، مورد حمایت قرار گرفته است. به موجب اصل ۲۲ قانون اساسی: «حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است، مگر در مواردی که قانون تجویز کند»؛ بنابراین اصل بر حرمت ورود به منازل دیگران است و موارد استثنا باید صریحاً طبق قوانین مشخص شود؛ در قوانین عادی نیز در موارد بسیاری مورد حمایت قرار گرفته است. ماده ۶۹۴ ق.م.ا. ناظر به منع ورود اشخاص عادی، ماده ۵۸۰ ق.م.ا. به ممنوعیت ورود مأموران دولتی به منزل افراد، ماده ۶۹۱ ق.م.ا. درباره ممنوعیت ورود به قهر و غلبه در ملک دیگری و ماده ۶۹۲ ق.م.ا. در مورد ممنوعیت تصرف به قهر و غلبه ملک دیگری، از این جمله است. در مقررات شکلی نیز ماده ۱۸ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری، ماده ۲۴ و مواد ۹۶ تا ۱۰۰ قانون مزبور مقرراتی را بیان می‌کند که در حوزه اصل و

استثنائات این حق قرار دارد. قوانین دیگری نیز هست که به جهت رعایت اختصار از طرح آنها صرف نظر می شود و برخی موارد مهم دیگر در خلال بحث اشاره می شود. در قلمرو حریم خصوصی نیز بحث هایی در جریان است؛ اینکه آیا امکان پذیرش «حریم خصوصی مکانی» در اماکن عمومی و نیز در محل هایی مثل خودرو وجود دارد یا خیر؟ آیا عامل نقض، شامل اشخاص عمومی نیز می شود یا خیر؟ آیا عامل نقض، شامل ابزارهای نقض از راه دور و مانند آن می شود یا خیر؟ مجال پرداختن کامل به تحلیل های حقوقی در این باره در این مقال نمی گنجد، ولی تلاش می شود دلالت مبانی قرآنی در این باره بررسی شود.

۳. «مبانی عام» قرآنی در حمایت و صیانت از حریم خصوصی مکانی

از میان آیاتی که به نحو عام بر منع و نهی از نقض حریم خصوصی مکانی دلالت دارند، چند مورد بررسی می شود.

۳-۱. دلالت آیات نهی از ظلم و اعتداء

اگرچه قبح ظلم از مستقلات عقلی محسوب می شود (میرزای قمی، [بی تا]، ج ۲، ص ۲۰)، در عین حال در موارد بسیاری از آیات و روایات متواتر، ظلم در اقسام متفاوت و در جلوه های گوناگون آن، مورد مذمت قرار گرفته است و ظالمان به عقوبت الهی تهدید شده اند. هر چند نقض حریم خصوصی به عنوان مصداق خاص از موارد ۸۱ گانه ای که در قرآن کریم به ظلم اشاره دارد، مورد تصریح قرار نگرفته است، ولی آن را از مصداق ظلم و مشمول نهی قرآنی می توان تلقی کرد. لازم است تقریب استدلال در این باره با تأمل بیشتری صورت گیرد.

در استدلال به آیات مربوط به ظلم، نخست حرمت ظلم و قبح تعدی به حقوق دیگران، در مقام اثبات کبرای استدلال باید احراز شود. در میان ۸۱ مورد از آیاتی که به تقبیح ظلم پرداخته اند، برخی آیات کلی تر بوده، قلمرو شمول آن می تواند هرگونه ظلمی باشد. آیه ۴۱ سوره اعراف: «لَهُمْ مِنْ جَهَنَّمَ مِهَادٌ وَ مِنْ فَوْقِهِمْ غَوَاشٍ وَ كَذَلِكَ نَجْزِي الظَّالِمِينَ» و

آیات ۴۱ و ۴۲ سوره شوری: «وَلَمَنْ أَنْتَصَرَ بَعْدَ ظُلْمِهِ فَأُولَئِكَ مَا عَلَيْهِمْ مِنْ سَبِيلٍ * إِنَّمَا السَّبِيلُ عَلَى الَّذِينَ يَظْلِمُونَ النَّاسَ وَ يَبْغُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ»، از این جمله است. بر اساس ظاهر این آیات به عنوان امری کلی و نوعی، می‌توان اظهار نظر کرد که تعدی و ظلم از امور مُحَرَّم و مستوجب عقوبت است. به‌ویژه از نشانه‌های حرمت و گناه محسوب شدن عمل، این است که در قرآن کریم برای آن عمل عقوبتی در نظر گرفته شده، وعده عذاب داده شده باشد و در این صورت از معاصی کبیره شمرده شده است؛^۱ بنابراین حرمت ظلم علاوه بر اینکه از مستقلات عقلی است و اگرچه بی‌نیاز از تصریح و تأکید می‌باشد، ولی به دلیل اهمیت بسیار آن از نظر شارع مقدس، در دلایل نقلی از جمله قرآن کریم نیز به تأکید مورد تصریح قرار گرفته است.

افزون بر این، نقض حریم خصوصی مکانی باید از مصادیق ظلم باشد تا صغرای استدلال نیز در مقام استنباط - به قیاس شکل نخست - محرز شود.

در تبیین این نکته، علاوه بر اینکه وجدان آن را تأیید می‌کند، می‌توان گفت آنچه در حقیقت ضمن نقض حریم خصوصی مورد هتک قرار می‌گیرد، صرفاً «تعدی به مکان» متعلق به غیر نیست، بلکه آنچه در قلمرو اموال اهمیت بیشتری دارد، «سلطنت» مالک یا متصرف است و حرمت تعدی، به «سلطنت مالک یا متصرف» انصراف دارد و حقی معنوی است (خمینی، ۱۴۲۸، ص ۲۴۸ / اصفهانی، ۱۴۰۹، ص ۹۶)؛ به‌ویژه هر عملی که نقض حریم خصوصی مکانی محسوب شود، در حقیقت محدودکننده اقتدار و

۱. از جمله معیارهایی که برای احراز وصف کبیره بودن گناهان بیان شده است، «معیار وعده عذاب در قیامت» است. بر اساس این معیار، هر گناهی که بر ارتکاب آن وعده عذاب الهی داده شده باشد، جزء کبائر است، وگرنه جزء کبائر نیست و مؤید این معیار دو روایت است؛ برخی روایات نیز این معیار را تأیید می‌کنند؛ از جمله در کافی از امام صادق علیه السلام نقل شده است: «گناه کبیره گناهی است که خداوند مرتکب آن را وعده آتش داده است». برخی مفسران همچون علامه طباطبایی نیز در نهایت همین معیار را با مقداری توسعه پذیرفته‌اند. از نظر ایشان: «گناه کبیره گناهی است که با لحن شدید از ارتکاب آن نهی شده یا در نهی از آن اصرار صورت گرفته یا بر ارتکاب آن وعده آتش دوزخ داده شده است، حال چه این معنا از کتاب الهی استفاده شود یا از سنت و احادیث» (طباطبایی، ۱۳۷۲، ج ۴، ص ۳۵۵).

سلطه مالک (یا متصرف مال) به شمار می‌رود و مستلزم آن است که رأی و نظر مالک در این باره رعایت شود (صدر، ۱۴۲۰، ج ۳، ص ۲۹۱)؛ بنابراین هر جا کسی بخواهد عملی انجام دهد که با این اقتدار منافی باشد و سلطنت مالک را تحت الشعاع قرار دهد، ممنوع و به ملاک اینکه این عمل نوعی در تنگنا قرار دادن، ایذاء و تعدی و ظلم محسوب می‌شود، حرام است و مشمول آیات پیش گفته قرار می‌گیرد. به عبارت دیگر اینکه افراد از تصرف در حریم این مال ممنوع شده‌اند، در واقع نوعی احترام به مالک آن است و بدین معناست که در تنگنا قرار دادن مؤمن جایز نیست، اگرچه از طریق تصرف در حریم مال او باشد (لنکرانی، ۱۴۰۸، ص ۲۹۹ / طباطبایی بروجردی، [بی تا]، ص ۳۴۶). این نکته در بیانیه امام خمینی^ع معروف به فرمان هشت ماده‌ای نیز تأکید شده است. بر اساس بخشی از این فرمان:

... هیچ کس حق ندارد هتک حرمت مسلمان و تعدی از ضوابط شرعی نماید. ... هیچ یک از قضات حق ندارند ابتدائاً حکمی صادر کنند که به واسطه آن مأموران اجرا اجازه داشته باشند به منازل یا محل‌های کار افراد وارد شوند که نه خانه امن و تیمی است و نه محل توطئه‌های دیگر علیه نظام جمهوری اسلامی که صادرکننده و اجراکننده چنین حکمی مورد تعقیب قانونی و شرعی است.

در این فرمان، ورود بی‌ضابطه به منازل و اماکن افراد، تعرض به حرمت و تعدی از ضوابط شرعی قلمداد شده است؛ بنابراین ورود به منزل غیر بدون استیذان فقط از جهت تصرف و مانند آن مشمول حرمت و ممنوعیت نیست. چه بسا صرف ورود فیزیکی شخص نیز از لحاظ حقوقی مجاز باشد؛ یعنی از لحاظ حقوقی امکان دسترسی و صرف ورود فراهم باشد، ولی به لحاظ جنبه‌های دیگر ممنوعیت و حرمت وجود دارد. به عبارت دیگر در منع ورود به منزل غیر، دو حرمت است: نخست، از نظر فیزیکی و دوم، از نظر معنوی یا حریم خصوصی. از ادله احکام در فقه امامیه، اهمیت حفظ حریم خصوصی اشخاص از طریق منع ورود بدون اجازه قبلی از صاحبخانه قابل استنباط است.

البته تقریب استدلال و تعدی بودن نقض حریم خصوصی مکانی، با ذکر آیات

خاص که ورود به منازل و مساکن را صرفاً در چهارچوب‌های خاص و متعارف جایز می‌داند، با وضوح بیشتری محرز می‌شود که در بخش مربوط به آیات خاص مورد توجه قرار خواهد گرفت.

۲-۳. ممنوعیت تجسس در آیه «و لا تجسسوا»

یکی از آیاتی که به عموم خود و به‌عنوان قاعده‌ای اولی در صیانت از حریم خصوصی قابل استناد است، آیه ۱۲ سوره حجرات می‌باشد که به عموم خود، تجسس را ممنوع (حرام) اعلام کرده است.

تجسس در لغت به معنای تفتیش از باطن امور و جست‌وجوی خبر است که بیشتر - نه در همه موارد - درباره امور شرّ به‌کار می‌رود (طریحی، ۱۴۱۶، ج ۴، ص ۵۷)؛ بنابراین موضوع تجسس، عمدتاً اموری است که مردم تمایل دارند پنهان بماند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲۸، ۳۲۳/ سبحانی تیریزی، ۱۳۷۰، ص ۶۳۸). معنای اصطلاحی نیز چندان از معنای لغوی متفاوت نیست (حائری و دیگران، ۱۳۹۱، ص ۴۲) و غالب مفسران تجسس را به‌همین معنا به‌کار برده‌اند (طبری، ۱۴۱۲، ج ۲۶، ص ۱۷۵)؛ برای مثال صاحب مجمع‌البیان معنای «تفتیش اسرار و امور مخفی مؤمنان و در جست‌وجوی عیوب و لغزش‌های مردم بودن» را از تجسس نقل کرده است (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۵، ص ۱۷۳)؛ بنابراین بازگشت تمامی معانی مذکور، به این است که تجسس «عمدتاً» کاوش در امور پنهان برای کشف لغزش‌ها و وجوه مخفی زندگی اشخاص است و «عمدتاً» - و نه در همه موارد - در امور «شرّ» به‌کار می‌رود و «ماهیتاً» از امور آشکار و عمومی انصراف دارد.

در تقریب استدلال و به‌منظور استدلال به آیه «و لا تجسسوا»، لازم است چند مطلب به‌عنوان مقدمه استدلال، احراز شود:

نخست، باید بتوان از آیه مذکور به‌عنوان «قاعده» در کبرای استدلال و به‌عنوان حکمی کلی و عام مبتنی بر حرمت و در مقام تطبیق استفاده کرد، درحالی‌که اگر این حکم فاقد کلیت و انطباق‌پذیری باشد، ویژگی قاعده‌بودن را ندارد (حاجی‌ده‌آبادی،

۱۳۹۱، ص ۶۵)؛ اولاً، حرمت تجسس، بر مبنای ظهور منع و نهی بر حرمت، مشکل چندانی ندارد. به‌ویژه در ادامه، باطن این عمل و شدت درجه کراهت مبعوض‌بودن آن نزد خداوند با تشبیه بسیار مناسبی بیان شده است: «أیحب أحدکم أن يأکل لحم أخیه میتاً فکرمته: آیا شما دوست دارید گوشت برادر مرده خود را بخورید؟ حتماً از این کار کراهت دارید». علامه طباطبایی، صاحب تفسیر المیزان معتقد است تعلیل ذکر شده در آیه، به غیبت اختصاص ندارد و در مورد هردو عمل صدق می‌کند؛ زیرا تفاوت غیبت و تجسس فقط آنجاست که غیبت، اظهار عیب یک مسلمان برای دیگران است و تجسس یعنی از راهی به عیب او علم و آگاهی یابیم. اینها هردو در عیب‌جویی مشترک‌اند و در هردو مورد، عیب مستور برملا می‌شود. عیب در تجسس برای خود شخص یا احیاناً دیگران و در غیبت برای دیگران آشکار می‌شود (طباطبایی، ۱۳۹۳، ج ۱۸، ص ۴۸۵)؛ براین اساس این دو به یک ملاک و در یک سیاق مورد لحوق حکم حرمت قرار می‌گیرند. ثانیاً، بر اساس آیه مورد بحث، ممنوعیت تجسس، حکمی کلی است که به‌عنوان اصل اولی و در مقام بیان ضابطه‌ای کلی و عمومی جعل شده، حذف متعلق حکم به‌خوبی گویای عمومیت آن است، درعین حال ممکن است در مواردی استثناپذیر باشد (کوشکی و موسوی آزاده، ۱۳۹۷، ص ۱۶۰).

عمومیت آیه نیز در چند جهت مهم قابل تأکید است:

جهت نخست تعمیم، از جهت حذف متعلق تجسس است و حذف متعلق، مفید عموم می‌باشد؛ بنابراین تجسس از هر یک از امور پنهان افراد که صورت گیرد، مشمول عنوان تجسس و به حکم اولی، محکوم به حرمت است.

جهت دوم یعنی مقصود از تجسس، هر چیزی که باشد و تجسس به هر منظوری که انجام شود، اصولاً تفاوتی در حکم ایجاد نمی‌کند، مگر در مواردی که از مصادیق مشروع تجسس و داخل در قلمرو استثنای این عنوان باشد.

جهت سوم تعمیم، عمومیت و شمول حکم ممنوعیت نسبت به افراد موضوع تجسس می‌باشد. ممکن است بر اساس خطاب آیه «یا ایها الذین آمنوا»، این تلقی پدید آید که تجسس ممنوع در آیه، صرفاً به مسلمانان و مؤمنان مربوط است و غیرمسلمان و

غیرمؤمن را شامل نمی‌شود (طباطبایی، ۱۳۹۳، ج ۱۸، ص ۴۸۶). این استدلال به نظر تمام نیست؛ درحقیقت اگرچه ظاهراً منع تجسس به مسلمانان مربوط است؛ یعنی به‌حسب ظاهر، هم خطاب آیه به مؤمنان و هم موضوع خطاب، منع تجسس از امور مسلمانان است (سیوطی، ۱۴۲۴، ج ۲؛ ص ۹۲/ طوسی، [بی‌تا]، ج ۹، ص ۳۴۸/ دعموش عاملی، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۱۱) و اهل ایمان یا در حکم آنها، قدر متیقن از افرادی‌اند که تحت شمول این حکم قرار می‌گیرند، ولی صرف‌نظر از نتایج عملی غیرقابل التزامی که این نظریه ممکن است در رفتارهای اجتماعی افراد نسبت به شهروندان غیرمسلمان ایجاد کند، خطاب مذکور سبب انحصار مصادیق حکم در اهل ایمان نمی‌شود؛ زیرا اولاً، این حکم در جغرافیای فرهنگی مسلمانان و بر اساس تشکیل جامعه ایمانی و درمورد ترویج فرهنگ صحیح ایمانی میان مؤمنان تشریح شده است؛ ثانیاً، به‌لحاظ ملاک، میان امنیت آحاد جامعه اسلامی اعم از اهل ایمان یا غیر آن و به‌ویژه کسانی که تأمین امنیت آنها با حکومت اسلامی است، تفاوتی نیست. چه‌بسا این‌گونه تعبیر به حوزه عملکرد خصوصی و فردی مربوط باشد و آنگاه که به‌عنوان مبنایی برای ایجاد قاعده، دستورالعمل و قانون برای بخش عمومی و عملکرد حکومت قرار گیرد، لازم باشد موضوع با دغدغه‌ای فراتر از افراد مؤمن و حتی مسلمان جامعه اسلامی مد نظر قرار گیرد. آنچه این برداشت را تأیید می‌کند، روایاتی است که در مذمت هتک حریم خصوصی زنی از اهل کتاب در کلمات امیر مؤمنان علیه السلام وارد شده است. ایشان در ضمن خطبه ۲۷ در جریان تصرف شهر انبار به‌وسیله نیروهای معاویه فرمود:

به من خبر رسید که مردی از لشکر شام به خانه زنی مسلمان و زنی غیرمسلمان که در پناه حکومت اسلام بوده، وارد شده و خلخال و دستبند و گردن‌بند و گوشواره‌های آنان را به‌غارت برده، درحالی که هیچ وسیله‌ای برای دفاع جز گریه و التماس نداشته‌اند ... اگر برای این حادثه تلخ، مسلمانی از روی تأسف بمیرد، ملامت نخواهد شد و از نظر من سزاوار است (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۵، ص ۵/ نهج‌البلاغه، خطبه ۲۷).

آنچه روشن است، تعرض به حریم خانه مسلمان در لسان این روایت، به‌شدت نکوهش شده است. اصل تعرض اگر به‌اندازه مورد آن مهم نباشد، کم‌اهمیت‌تر از آن نیست. ملاک قابل استنباط از این بیان، ضرورت صیانت از احترام شهروند تحت

حمایت و در قلمرو نفوذ حکومت اسلامی است؛ هرچند غیرمسلمان باشد. قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز در اصل چهاردهم^۱، ضمن تأکید بر رعایت حقوق انسانی تمامی شهروندان ایرانی اعم از مسلمان و غیرمسلمان، در اصل بیستم، همه آنان را تحت حمایت قانونی یکسانی قرار داده است؛^۲ به علاوه در اصل ۲۵ قانون اساسی به صورت صریح هرگونه تجسس را ممنوع دانسته است.^۳ همچنین در ماده ۱۸ اعلامیه اسلامی حقوق بشر به لزوم رعایت حریم شخصی و ممنوعیت تجسس نسبت به همه افراد اشاره شده است.

جهت چهارم تعمیم، به لحاظ افرادی است که به رعایت این مهم مکلف‌اند. تمامی آحاد جامعه و اشخاص جامعه و حتی آنها که تحت عناوین حقوقی متشکل‌اند و از همه مهم‌تر حکومت اسلامی و نهادهای تحت امر آن، مشمول این حکم کلی‌اند، بلکه حکومت به دلیل داشتن ابزارها و امکانات وسیع تجسس، نسبت به شهروندان عادی و ده‌ها دلیل دیگر، به رعایت این حکم اولویت دارد؛ بنابراین نباید گمان شود چون حکومت اسلامی می‌تواند دستگاه‌های امنیتی و اطلاعاتی داشته باشد، پس مشمول ممنوعیت تجسس نیست، در حالی که این نوع تلقی منطقی نیست و اقدامات حکومت نیز باید در چهارچوب موارد خاص و صرفاً در مقام تأمین مصالح اهم یا در چهارچوب قدر متیقن در مقام عمل انجام شود. حتی در گزینش کارگزاران نیز علاقه به پرده‌پوشی و پرهیز از پرده‌داری و روحیه تجسس، یکی از معیارهای انتخاب تلقی شده است. در

۱. اصل ۱۴ق.ا.: به حکم آیه شریفه «لاینهاکم الله عن الدین لم یقاتلکم فی الدین و لم یخرجکم من دینارکم ان تروه و تقسطوا إلیهم ان الله یحب المقسطین»، دولت جمهوری اسلامی ایران و مسلمانان موظف‌اند نسبت به افراد غیرمسلمان با اخلاق حسنه و قسط و عدل اسلامی عمل نمایند و حقوق انسانی آنان را رعایت کنند. این اصل در حق کسانی اعتبار دارد که بر ضد اسلام و جمهوری اسلامی ایران توطئه و اقدام نکنند.

۲. اصل ۲۰ق.ا.: همه افراد ملت اعم از زن و مرد، یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت و موازین اسلام برخوردارند.

۳. بازرسی و نرساندن نامه‌ها، ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی، افشای مخابرات تلگرافی و تلکس، سانسور، عدم مخابره و نرساندن آنها، استراق سمع و هرگونه تجسس ممنوع است، مگر به حکم قانون.

فراز دیگری از نامه حضرت علیؓ خطاب به مالک اشتر آمده است:

باید دورترین مردم از تو و مبعوض‌ترین آنان نزد تو کسی باشد که پیوسته در پی عیوب مردمان است؛ چه آنکه در مردم لغزش‌هایی وجود دارد که حاکم از هرکس دیگر به پوشانیدن آنها سزاوارتر است؛ پس در جست‌وجوی امور پنهان مباش! وظیفه تو پاک‌کردن ظواهر است و این پروردگار است که بر هر آنچه از تو پنهان است، حکم می‌کند؛ پس تا آنجاکه می‌توانی عیب را بپوشان تا خداوند نیز آنچه را دوست می‌داری از مردم مخفی بماند، بپوشاند (صبحی صالح، ۱۴۱۴، ص ۴۲۹، نامه ۵۳).

از این بیان شریف معلوم می‌شود نه تنها افراد عادی به رعایت حریم خصوصی دیگران ملزم و از نقض آن ممنوع‌اند، بلکه کارگزاران حکومتی نیز مشمول حکم حرمت نقض حریم خصوصی قرار می‌گیرند؛ سفارشی که در کلام حضرت امیرؓ به عنوان منشور حکومت اسلامی و دستورالعمل ایشان در خطاب به مأموران حکومتی و دولتمردان تحت امر ایشان صادر شده است. از سویی می‌توان گفت ملاک حرمت و لزوم دقت در حریم خصوصی شهروندان نسبت به حاکمان اولویت دارد؛ زیرا ابزارهایی که برای نقض حقوق شهروندان در دست دولتمردان هست، به مراتب بیشتر از افراد عادی است؛ از این رو حکومت برای رعایت این مهم باید اهتمام بیشتری داشته باشد و موارد جواز نقض نیز، نقضی بر اصل این سخن محسوب نمی‌شود.

براین اساس حق حریم خصوصی، نهمین بند از منشور حقوق شهروندی است که پس از بند «حق دسترسی به فضای مجازی» آمده است. در بند نهم منشور حقوق شهروندی با عنوان «حق حریم خصوصی» این‌گونه عنوان شده است:

ماده ۳۶ - حق هر شهروند است که حریم خصوصی او محترم شناخته شود. محل سکونت، اماکن و اشیای خصوصی و وسایل نقلیه شخصی از تفتیش و بازرسی مصون است، مگر به حکم قانون.

همچنین از نظر حمایت کیفری از حریم مسکن و منزل اشخاص در حقوق ایران می‌توان به مواد ۵۸۰ و ۶۹۴ ق.م.ا. اشاره کرد. در ماده ۵۸۰ ورود مأموران و مستخدمان دولتی بدون اجازه و رضای صاحب منزل و بدون رعایت ترتیبات

قانونی، جرم تلقی شده است.^۱

مرتکبان این جرم، مأموران دولتی اعم از قضایی یا غیرقضایی خواهند بود یا کسی که ارجاع یک خدمت دولتی به نوعی میان او و دولت، رابطه ایجاد کرده است. به علاوه در ماده ۶۹۴ نیز ورود با عنف یا تهدید به منزل یا مسکن دیگری جرم دانسته شده است^۲ و باتوجه به استفاده از عبارت «هرکس»، قابلیت ارتکاب جرم را به همه افراد تعمیم می‌دهد، مگر آنکه گروهی به طور خاص در مواد یا قانون دیگری در این مورد خطاب قرار گرفته باشند.

قانون آیین دادرسی در امور کیفری مصوب ۱۳۹۲ نیز برای امکان نقض حریم خصوصی مکانی، ضوابطی را در نظر گرفته است. به موجب ماده ۱۳۷ این قانون: تفتیش و بازرسی منازل، اماکن بسته و تعطیل و همچنین تفتیش و بازرسی اشیا در مواردی که حسب فراین و امارات، ظن قوی به حضور متهم یا کشف اسباب، آلات و ادله وقوع جرم در آن وجود دارد، با دستور بازپرس و با قید جهات ظن قوی در پرونده انجام می‌شود.

ماده ۱۳۸ قانون مزبور اشعار می‌دارد:

مجوز تفتیش و بازرسی محل کار اشخاص و مقامات موضوع مواد ۳۰۷ و ۳۰۸ و نیز متهمان جرایم موضوع بند ث ماده ۳۰۲ این قانون، باید به تأیید رئیس کل دادگستری استان برسد و با حضور مقام قضایی اجرا شود.

۱. ماده ۵۸۰ ق.م.ا.: «هریک از مستخدمین و مأمورین قضایی یا غیرقضایی یا کسی که خدمت دولتی به او ارجاع شده باشد، بدون ترتیب قانونی به منزل کسی بدون اجازه و رضای صاحب منزل داخل شود، به حبس از یک ماه تا یک سال محکوم خواهد شد، مگر اینکه ثابت نماید به امر یکی از رؤسای خود که صلاحیت حکم را داشته است، مکره به اطاعت امر او بوده، اقدام کرده است که در این صورت مجازات مزبور در مورد آمر اجرا خواهد شد و اگر مرتکب یا سبب وقوع جرم دیگری نیز باشد، مجازات آن را نیز خواهد دید و چنانچه این عمل در شب واقع شود، مرتکب یا آمر به حداکثر مجازات مقرر محکوم خواهد شد.»

۲. ماده ۶۹۴ ق.م.ا.: «هرکس در منزل یا مسکن دیگری به عنف یا تهدید وارد شود، به مجازات شش ماه تا سه سال حبس خواهد شد و در صورتی که مرتکبین دو نفر یا بیشتر بوده و لاًقل یکی از آنها حامل سلاح باشد، به حبس از یک تا شش سال محکوم می‌شوند.»

قید تفتیش در روز (ماده ۱۴۰ ا.د.ک.) و ضرورت موارد مهم در دستور تفتیش از دیگر موارد است. به موجب ماده ۱۴۱ قانون مذکور:

دستور مقام قضایی برای ورود به منازل، اماکن بسته و تعطیل، تحت هر عنوان باید موردی باشد و موضوعی که تفتیش برای آن صورت می‌گیرد، زمان، مکان، دفعات ورود، اموال، اماکن و نشانی آنها به صراحت مشخص شود. ضابطان مکلفانند ضمن رعایت دستورهای مقام قضایی، کیفیت تفتیش و بازرسی و نتیجه را در صورت مجلس تنظیم کرده، آن را به امضا یا اثر متصرف برسانند ...

مقدمه دوم (صغرای) استدلال آن است که حریم خصوصی مکانی، باید از مصادیق تجسس ممنوع باشد تا امکان انطباق حکم (حرمت) ناشی از نهی در «لا تجسسوا» بر آن باشد. در احراز صغرای استدلال نیز مشکل چندانی نیست؛ چه اینکه اماکن مسکونی، محل کار، محل استراحت و محل اقامت اشخاص، به فراخور حال ممکن است مورد تعرض، پایش و نظارت دیگران قرار گیرد؛ این کار به صورت سنتی یا با استفاده از ابزارهای فنی و تکنولوژیکی همچون دوربین‌های مخصوص و از راه دور یا هک کردن دوربین‌های رایانه‌ای موجود در منازل و اماکن یا هر شیوه تکنولوژیکی دیگر می‌تواند صورت گیرد.

در مجموع می‌توان نتیجه گرفت حرمت تجسس و ممنوعیت آن به عنوان یکی از عوامل مهم تضمین‌کننده حریم خصوصی مکانی محسوب می‌شود؛ نتیجه چنین امری در مرحله اجرا، وجود جریانی توأم با احساس امنیت در روابط اجتماعی است و التزام به آن در مقام عمل می‌تواند این مهم را محقق و تضمین کند، ولی همان‌گونه که بیان شد، این آیه درصدد بیان حکمی کلی و قاعده اولیه در بحث تجسس است که به عنوان ضابطه عملیاتی در مقام تردید نیز قابل استفاده می‌باشد و وجود استثنا در مواردی خاص، با قاعده بودن و عمومیت حکم یادشده منافات ندارد. اثر قاعده بودن و تلقی این حکم به عنوان اصل اولی مستفاد از عموم آیه مورد بحث، دو نتیجه مهم دارد: نخست، در صورت تردید در اصل جواز تجسس، اصل بر عدم جواز (عدم تخصیص حکم حرمت) است (خراسانی، ۱۴۰۹، ص ۳۴۰ / حکیم، ۱۴۰۸، ص ۴۹۵ / بجنوردی، [بی‌تا]، ص ۴۴۹)؛ دوم، در صورت جواز و تردید در قلمرو جواز، اصل بر عدم زیادت از قدر

متیقن در مقام است (بروجردی، [بی تا]، ص ۵۱۵ / بجنوردی، [بی تا]، ص ۴۴۶).

۴. مبانی خاص قرآنی در حمایت از حریم خصوصی مکانی

در کنار عموماتی که مطرح شد، برخی آیات به طور خاص بر وجود حریم خصوصی مکانی و نیز ضرورت صیانت از آن و ممنوعیت نقض دلالت دارند. آیات ۲۷ و ۲۸ سوره نور و آیه ۸۹ سوره بقره از این جمله است. در این آیات برای ورود به مسکن دیگری، شرایطی بیان شده است که مختصراً بیان و دلالت آن بر وجود حریم خصوصی مکانی و لزوم رعایت آن بررسی می شود.

۴-۱. ضرورت استیذان و اطمینان از احساس امنیت ساکنان خانه

خطاب آیات ۲۷ و ۲۸ سوره نور در این باره این گونه است:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْذِنُوا وَتُسَلِّمُوا عَلَىٰ أَهْلِهَا ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ، فَإِن لَّمْ تَجِدُوا فِيهَا أَحَدًا فَلَا تَدْخُلُوهَا حَتَّى يُؤْذَنَ لَكُمْ وَإِن قِيلَ لَكُمْ ارْجِعُوا فَارْجِعُوا هُوَ أَزْكَىٰ لَكُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ، لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَن تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ مَسْكُونَةٍ فِيهَا مَتَاعٌ لَّكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تُبْدُونَ وَمَا تَكْتُمُونَ: ای کسانی که ایمان آورده اید! در خانه هایی غیر از خانه خود وارد نشوید تا اجازه بگیرید و بر اهل خانه سلام کنید. این برای شما بهتر است، شاید متذکر شوید! و اگر کسی را در آن نیافتید، وارد نشوید تا به شما اجازه داده شود و اگر گفته شد: «بازگردید!»، بازگردید. این برای شما پاکیزه تر است و خداوند به آنچه انجام می دهید، آگاه است، [ولی] گناهی بر شما نیست که وارد خانه های غیرمسکونی بشوید که در آن متاعی متعلق به شما وجود دارد و خدا آنچه را آشکار می کند و آنچه را پنهان می دارید، می داند!

در این آیه شریفه، به طور روشن نیاز انسان به ستر و محفوظ بودن در فضای منزل و رهایی از اضطراب ورود سرزده و بدون اجازه افراد دیگر مدنظر قرار گرفته است و نقض این حریم را حرام می داند.

ممکن است در ابتدا این گونه به ذهن برسد که برای ورود به منزل و مسکن دیگری، صرف استیذان کافی است و «تستأنسوا» در وزن «تستأذنوا» و به همان معنا باشد

(طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۷، ص ۲۱۳)، ولی با دقت بیشتر معلوم می‌شود در مفهوم واژه «اُنس»، چیزی بیش از «اِذْن» محض هست (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰، ج ۱۴، ص ۴۲۷)؛ به عبارت دیگر برای رعایت حرمت منزل اشخاص نه تنها اجازه گرفتن لازم و ضروری است، بلکه افراد باید از ورود به منزل دیگری خودداری کنند تا هنگامی که مطمئن شوند حضور آنها برای صاحب منزل یا ساکنان، خوشایند است. کلمه «استیناس» در اینجا یعنی علاوه بر اینکه برای ورود به منزل به اجازه گرفتن موظف‌اید و ورود بی‌اجازه حرام و ممنوع است، در مورد «آمادگی» میزبان بررسی کنید؛ بر این اساس ورود سرزده و به طریق اولی بازرسی‌های سرزده و بی‌مقدمه، بدون رضایت مالکان و صاحبان اماکن و منازل، مجاز نیست و در مواردی نیز که این کار با دستور و مجوز قانونی انجام می‌شود، در خارج از «مورد دستور» و «موضوع تفتیش»، مشمول عموم ممنوعیت آیه خواهد بود. علامه طباطبایی در ذیل این آیه و در بیان حکمت اجتماعی آن می‌نویسد:

مصلحت این حکم پوشاندن امور پوشیده و مخفی مردم و حفظ احترام ایمان است؛ پس وقتی شخص واردشونده هنگام ورود به خانه غیر، استیناس کند و صاحبخانه را به استیناس خود آگاه سازد و بعد داخل شده و سلام کند، درحقیقت او را در پوشاندن آنچه باید بپوشاند، کمک کرده و نسبت به خود، ایمنی‌اش داده است و استمرار این شیوه پسندیده، مایه استحکام اخوت و الفت و تعاون عمومی بر اظهار جمیل و ستر قبیح است و جمله «ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ» هم اشاره به همین فواید است؛ یعنی شاید با استمرار بر این سیره، متذکر وظیفه خود بشوید که چه اموری را باید رعایت کنید و چگونه سنت اخوت را در میان خود احیا سازید و در سایه آن، قلوب را با هم مألوف نموده، به تمامی سعادت‌های اجتماعی برسید (طباطبایی، ۱۳۸۶، ج ۱۵، ص ۱۵۳).

در عین حال کاربرد آیه مذکور و استدلال به آن در موارد گوناگون و اخذ نوعی قاعده حمایتی در قلمرو حریم خصوصی مکانی، در گرو امکان تعمیم آن در موارد مصادیق گوناگون و مورد ابتلاست؛ از این رو در ذیل چگونگی جریان آیه به موارد گوناگون و عمومیت آن بررسی می‌شود.

تعمیم از جهت مکان، از جمله موارد مهم در قلمرو حکم حرمت نقض حریم

خصوصی مکانی است؛ اگرچه واژه «بیت» و جمع آن (بیوت) در فرهنگ‌های لغت عرب عمدتاً به معنای خانه به کار رفته است (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۸، ص ۱۳۸)، اما در معانی دیگری از جمله زن، عیال، خانواده، قدر و منزلت و بزرگی - قوم - نیز به کار رفته است (شرتونی، ۱۴۰۳؛ ذیل واژه بیت)؛ بدین ترتیب بیت، بر هر جایگاه مکانی شایسته احترام می‌تواند اطلاق شود. ملاک موجود در آیه نشان می‌دهد، امن بودن مکان در هر جای که نوعاً خصوصیتی برای مکان مورد استفاده و انحصاری برای فرد یا افراد خاص باشد و این توقع متعارف برای محفوظ بودن مکان نسبت به ورود سرزده دیگران وجود دارد، باید مورد صیانت قرار گیرد. «خانه» و «مسکن» صرفاً مصداق روشن «بیت» محسوب می‌شود و نباید شبهه مفهوم به مصداق پیش آید.

براین اساس محیط‌های کاری که محل رفت و آمد عمومی نیست مانند برخی کارگاه‌ها و نیز مراسم‌های خصوصی که افراد خاصی قادر به شرکت در آنها همچون جشن تولد، مراسم عقد و عروسی، مهمانی‌های دوستانه یا خانوادگی که فقط در مورد افراد خاص و با احساس قرابت ویژه برگزار می‌شود، مشمول این عنوان می‌تواند قرار گیرد و حضور افراد متفرقه و اقداماتی چون تهیه عکس، فیلم یا گزارش، بدون رضایت افراد شرکت‌کننده در مراسم، تعرض به حریم خصوصی مکانی افراد محسوب می‌شود. تعمیم از جهت انگیزه، از دیگر موارد گفتنی است؛ مهم نیست اشخاص با چه انگیزه‌ای به حریم دیگران تجاوز می‌کنند. در مجموع اطلاق آیه اقتضا می‌کند اشخاص، در هر حال برای ورود به ملک و مأوای دیگری لازم است اذن بگیرند، وگرنه نفس این اقدام، نوعی اقدام ضرری و شایسته دفع و مقابله می‌باشد؛ درحقیقت این نوع از اقدام‌های ضرری، از «عناوین قصدیه» نیست و «بدون قصد اضرار» یا بدون دخالت انگیزه نیز «ضرر» نقض حریم خصوصی صدق می‌کند، مگر در مواردی که موضوع مشمول عمل احسانی و قاعده احسان قرار گیرد که در این صورت می‌توان اذن را مفروض تلقی کرد و البته در صورت نهی مشروع مالک، همین اذن مفروض نیز منتفی می‌شود.

تعمیم به جهت افراد نقض‌کننده، از دیگر موارد مهم در قلمرو شمول آیه یادشده

محسوب می‌شود؛ به عبارت دیگر تفاوتی نمی‌کند که شخص ناقض حریم خصوصی مکانی چه کسی باشد؛ شخص عادی باشد یا مقام دولتی، مالک آن مکان باشد یا غیرمالک، خویشاوند افراد ساکن یا مقیم در آن مکان باشد یا غیرخویشاوند. در تقریب این تعمیم، دست‌کم به سه مطلب می‌توان استناد کرد:

اول، شأن نزول آیه یادشده است. بر اساس آنچه طبری و غیر او از عدی بن ثابت نقل کرده‌اند، سبب نزول آیه بدین شرح می‌باشد:

زنی از انصار به پیامبر ﷺ گفت: یا رسول الله! من در خانه خویش گاه بر حالی باشم که نخواهم که هیچ‌کس مرا ببیند در آن حال، نه پدر و نه فرزند. اگر در آن حال مردی ازین کسان و خویشان من درآید، من چه کنم حال من چون بود؟ رب العالمین این آیت بجواب وی فرو فرستاد^۱ (میبدی، ۱۳۷۱، ج ۶، ص ۵۱۰).

دوم، اینکه در برخی فروع فقهی و در ذیل اطلاع بر عورات (جهات مخفی و پنهان در امور عفاف)، کسی که در مقام اطلاع برمی‌آید، حتی اگر از خویشاوندان نیز باشد، زجر و طرد او به‌عنوان مصداقی از دفاع مشروع جایز است؛ برای مثال شهید ثانی در الروضة البهیه می‌نویسد: «... والرحم الذی یجوز نظره للمطلع علیهم یزجر...» (عاملی، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۳۹۴)؛ با این توضیح که مشروعیت چنین دفاعی مسبوق به وجود حقی در ناحیه مدافع است و تفاوتی نمی‌کند هجمه به حریم خصوصی ازسوی خویشاوند یا شخص بیگانه باشد.

سوم، جهت صدور حدیث لاضرر است. در زمان رسول خدا ﷺ شخصی به نام سمرة بن جندب داخل خانه مردی از انصار، درخت خرمایی داشت که راه عبور آن از داخل ملک آن مرد انصاری می‌گذشت. سمرة برای سرکشی و رسیدگی به آن درخت سرزده و مکرر وارد ملک مرد انصاری می‌شد و بدین ترتیب باعث مزاحمت برای صاحبخانه و خانواده‌اش شده بود تا اینکه عرصه بر وی تنگ آمد. روزی به سمرة گفت تو بدون اعلام و اطلاع وارد منزل من می‌شوی، درحالی که ممکن است اعضای

۱. یا رسول الله! اِنِّی اُکون فی بیتی علی حالٍ لا اُحبُّ ان یرانی علیها احدٌ، لاوالد و لاولد فیأتی الأب فیدخل علیّ و اینه لا یزال یدخل علیّ رجل من أهلی و انا علی تلک الحال، فکیف اصنع؟ فنزلت الآیة.

خانواده ام در وضعیتی باشند که تو نباید آنها را ببینی؛ از این رو پس از این، هنگام عبور اعلام کن و اذن بخواه تا اهل خانه ام مطلع باشند. سمره در پاسخ گفت من از میان خانه تو به سوی باغ خود می‌روم و حق عبور دارم. لزومی به اعلام و اجازه نمی‌بینم. مرد انصاری مجبور شد به پیامبر اکرم ﷺ شکایت کند. حضرت به سمره گفت: پس از این هنگام عبور، حضور خودت را اعلام کن! سمره گفت: این کار را نخواهم کرد. پیامبر ﷺ به او فرمود: از این درخت دست بردار! به ازای آن، درخت دیگری با این اوصاف به تو می‌دهم. سمره قبول نکرد. حضرت گفت: در مقابل آن درخت، ده درخت بگیر و دست از آن بردار! سمره باز هم قبول نکرد. پیامبر ﷺ فرمود: دست از درخت بردار و به جایش در بهشت یک درخت خرما به تو خواهم داد. او باز هم نپذیرفت. رسول خدا ﷺ فرمود: «إِنَّكَ رَجُلٌ مُضَارٌّ وَلَا ضَرَّارٌ عَلٰی مُؤْمِنٍ: تو انسانی ضرر زننده هستی؛ کسی نباید به مؤمن ضرر بزند». سپس دستور داد آن درخت را کنند و نزد سمره انداختند (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۲۹۴). دقت در شأن و جهت صدور حدیث مهم و پُرکاربرد لاضرر، نشان می‌دهد اولاً، موضوع این ضرر «حریم خصوصی»، شاکی (مرد انصاری) و خانواده اوست. ثانیاً، طرف شکایت نیز فردی است «مالک» درخت خرمایی که در خانه مرد انصاری بوده و نسبت به عبور از ملک مرد انصاری، صاحب حق ارتفاق (حق عبور) بوده است و این امر نشان می‌دهد مالک بودن یا ذی‌حق بودن در عبور و مرور یا مَمَر و مَجْرَا نیز مجوزی برای نقض حریم خصوصی محسوب نمی‌شود. همین نکته به‌نوعی در ماده ۱۳۳ ق.م. مد نظر قرار گرفته است. به‌موجب این ماده:

کسی نمی‌تواند از دیوار خانه خود به همسایه در باز کند، گرچه دیوار، ملک مختصی او باشد، لیکن می‌تواند از دیوار مختصی خود روزنه یا شبکه باز کند و همسایه حق منع او را ندارد، ولی همسایه می‌تواند جلوی روزنه و شبکه دیوار بکشد یا پرده بیاویزد که مانع رؤیت شود.

تعمیم به‌لحاظ چگونگی ورود نیز می‌تواند در قلمرو این آیه لحاظ شود. درحقیقت کسی که بر امور مستور دیگری وارد می‌شود، تفاوتی نمی‌کند این کار را بدون فاصله و با حضور فیزیکی یا با فاصله و حتی با ابزارهای فنی و جدید همچون دوربین‌های لنزدار و مانند آن انجام دهد. مؤید این تعمیم، برخی فتاوی فقهای در این باره است؛

برای مثال برخی فقهایان در این باره سرکشی از راه دور را به سرکشی نزدیک ملحق می‌کنند و هردو را مشمول یک حکم می‌دانند: «همچنین اگر فردی که به عورات دیگران سرکشی می‌کند، از فاصله دور با دوربین ببیند، حکمش مانند آن است که از نزدیک سرکشی می‌کند...» (خمینی، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۴۹۲) و در مواردی با حصول شرایط دفاع مشروع، خونس هدر است (همان). این امر بدین معناست که اگر چشم کسی به مکانی خصوصی وارد شد، خود شخص وارد شده است، و گرنه دیگر وجهی برای کسب اذن و استیناس برای ورود غیر وجود ندارد، بلکه از جهتی می‌توان در این موارد نقض را با تأکید بیشتری تأیید کرد؛ زیرا در نقض فیزیکی، مقارن نقض یا پس از آن، افراد از نقض مطلع می‌شوند و به مقابله می‌پردازند یا زمینه استمرار نقض را از میان می‌برند، ولی در نقض از راه دور یا به وسیله ابزارهای خاص، افراد بدون اطلاع از نقض، محرمانگی‌های خود را در محیط زندگی بروز می‌دهند و نقضی که صورت می‌گیرد، از حالت‌های عادی فاحش‌تر است.

۴-۲. حق خلوت اهل خانه نسبت به واردین و مهمانان

در این باره دست‌کم به دو آیه می‌توان اشاره کرد.

۴-۲-۱. وجود اندرونی - بیرونی در نحوه رویارویی با واردین و مهمانان؛ به مثابه سبک زندگی مؤمنانه

در آیه دیگری و در جریان ملاقات حضرت ابراهیم علیه السلام با فرستادگان الهی این گونه آمده است: «فَرَاغَ إِلَىٰ أَهْلِهِ فَجَاءَ بِعِجْلٍ سَمِينٍ: آهسته پیش اهلش رفت و گوساله چاقی آورد» (ذاریات: ۲۶). آیه علاوه بر اینکه به نحوی بر سبک زندگی مؤمنانه دلالت دارد، با کمی تأمل بر وجود حریم خصوصی مکانی نیز دلالت دارد. اندکی دقت در واژه «راغ»، چند مطلب مرتبط را نشان می‌دهد؛ اولاً، از واژه «راغ» معلوم می‌شود ابراهیم علیه السلام، نخواستہ است مهمانان بدانند برای طعام آوردن می‌رود (قرشی، ۱۴۱۲، ج ۳، ص ۱۴۹)؛ ثانیاً، معلوم می‌شود خانواده ایشان در جای دیگری از خانه که پنهان از دید مهمانان بود، حضور داشتند و به تعبیر امروزی، خانه دارای اندرونی - بیرونی بود و مهمانخانه به کیفیتی بود

که بر حریم صاحبخانه اشراف نداشته، حتی مهمان نیز از امور خصوصی و نحوه تدبیر منزل و مانند آن تسلط نداشت و به‌طور خاص، محل تهیه غذا در معرض چشم و نظارت مهمانان قرار نداشت.

۴-۲-۲. ضرورت رعایت حریم زنان اهل منزل از جانب مهمانان و واردین

از آنجاکه عرب‌های مسلمان، بی‌پروا وارد اتاق‌های پیامبر ﷺ می‌شدند، درحالی‌که زن‌های پیامبر ﷺ نیز در خانه بودند، آیه نازل شد که اولاً، سرزده و بدون اجازه وارد خانه پیامبر نشوید، ...؛ ثانیاً، وقتی می‌خواهید چیزی از زنان پیامبر بگیرید، از پشت پرده بخواهید، بدون اینکه داخل اتاق شوید. این کارها برای پاکیزگی دل شما و دل آنها بهتر است.

در کلمات قدما هر جا سخن از آیه حجاب باشد، مقصود همین آیه است. دستور حجاب که در این آیه است، غیر از دستور «پوشش» بوده که مورد بحث ماست. دستوری که در این آیه ذکر شده است درباره سنن خانوادگی و رفتاری است که انسان باید در خانه دیگران داشته باشد. طبق این دستور مرد نباید وارد جایگاه زنان شود، بلکه اگر چیزی می‌خواهد و مورد احتیاج اوست، باید از پشت دیوار صدا بزند. این مسئله به بحث «پوشش» که در اصطلاح فقه نیز تحت عنوان «ستر» - نه حجاب - نامیده می‌شود، ارتباطی ندارد (مطهری، [بی‌تا]، ج ۱۹، ص ۵۸۴).

این حکم عام است؛ یعنی هر کس اگر کاری به داخله زندگی کسی دارد و چیزی از زنان آن خانه می‌خواهد بگیرد، باید بداند غالباً زنان در وضعی‌اند که ستر کافی ندارند و نباید سرزده وارد خانه شد؛ آن‌گونه که اعراب می‌کردند؛ همچنان‌که لازم نیست آن زنان در داخل خانه خود نیز همواره مسلح به ستر باشند، به‌احتیاط اینکه مردی شاید وارد شود (همان، ص ۴۹۹). در مورد دلالت، قلمرو شمول و احکام مستنبط از آن اختلاف بسیار است که به‌لحاظ رعایت اختصار از آن صرف‌نظر می‌شود.

۴-۳. لزوم رعایت خلوت از سوی اهل خانه و منزل نسبت به یکدیگر

قرآن کریم در آیه ۵۸ سوره نور، دست‌کم سه زمان را مشخص کرده است که اجازه

صریح باید گرفته شود تا فرزندان بتوانند به اطاق و خلوت والدین وارد شوند: «مِنْ قَبْلِ صَلَاةِ الْفَجْرِ وَ حِينَ تَضَعُونَ ثِيَابَكُمْ مِنَ الظَّهْرِ وَ مِنْ بَعْدِ صَلَاةِ الْعِشَاءِ ثَلَاثُ عَوْرَاتٍ لَكُمْ». بی شک رعایت این دستور قرآن کریم نسبت به همه مردم مسلمان لازم است، ولی تأکید آیه بر اجازه افرادی که هنوز به سن بلوغ نرسیده‌اند، درحقیقت جنبه تعلیم و آموزش دارد که این امر به‌عنوان عادت آنها شود تا هنگامی که به اطاقی غیر اطاق خودشان وارد می‌شوند، اجازه بگیرند.

«عوره» در اصل از ماده «عار» به معنای «عیب» است و از آنجاکه آشکارشدن امور جنسی مایه عیب و عار محسوب می‌شود، در لغت عرب به آن عورت اطلاق شده است. کلمه «عوره» گاهی به معنای شکاف در دیوار و لباس و مانند آن آمده است و گاهی به معنای مطلق عیب می‌باشد. به هر حال اطلاق کلمه عورت بر این اوقات سه‌گانه به دلیل آن است که مردم در این اوقات خود را زیاد مقید به پوشانیدن خویش مانند دیگر اوقات نمی‌کنند و حالتی خصوصی دارند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰، ج ۱۴، ص ۵۳۹)؛ به علاوه امر به استیذان و لزوم رعایت تربیت کودکان، نشان می‌دهد وجود روابط خویشاوندی نمی‌تواند مجوزی برای نقض حریم دیگران باشد (قرائتی، ۱۳۹۵، ص ۲۱۱).

خطاب آیه مذکور این‌گونه است:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِيَسْتَأْذِنَكُمْ الَّذِينَ مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ وَالَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا الْحُلُمَ مِنْكُمْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ مِنْ قَبْلِ صَلَاةِ الْفَجْرِ وَ حِينَ تَضَعُونَ ثِيَابَكُمْ مِنَ الظَّهْرِ وَ مِنْ بَعْدِ صَلَاةِ الْعِشَاءِ ثَلَاثُ عَوْرَاتٍ لَكُمْ لَيْسَ عَلَيْكُمْ وَ لَا عَلَيْهِمْ جُنَاحٌ بَعْدَهُنَّ طَوَّافُونَ عَلَيْكُمْ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! بردگان شما و همچنین کودکان‌تان که به حد بلوغ نرسیده‌اند، در سه وقت باید از شما اجازه بگیرند: پیش از نماز صبح و نیمروز هنگامی که لباس‌های [معمولی] خود را بیرون می‌آورید و بعد از نماز عشاء. این سه وقت خصوصی برای شماست، اما بعد از این سه وقت، گناهی بر شما و بر آنان نیست [که بدون اذن وارد شوند] و بر گرد یکدیگر بگردید [و با صفا و صمیمیت به یکدیگر خدمت نمایید]. این‌گونه خداوند آیات را برای شما بیان می‌کند و خداوند دانا و حکیم است (نور: ۵۸).

نتیجه

در مورد مبانی قرآنی حریم خصوصی به نتایج ذیل می‌توان اشاره کرد:

۱. به‌رغم دیدگاهی که معتقد است حریم خصوصی، ماهیتی نوپدید است، این حق در حقوق اسلام، دیرینه‌ای دیرین و به‌قدمت صدر اسلام دارد؛ در میان ابعاد حریم خصوصی، حق بر حریم خصوصی مکانی به‌دلایلی از جمله تأثیر عمیق آن بر امنیت و آسایش فردی و عمومی، در قرآن کریم با تأکید بیشتری بیان شده است.
۲. نقض حریم خصوصی مکانی از تعدی به مکان، به سلطنت و اقتدار مالک نیز سرایت می‌کند و از مصادیق ایذاء و ظلم محسوب می‌شود و مشمول آیات نهی از ظلم و اعتداء می‌گردد و عموم این آیات بر حرمت نقض این حق، دلالت می‌کند.
۳. مستفاد از آیات و روایات مورد بحث، تکلیف به رعایت حریم خصوصی به همه اشخاص اعم از افراد عادی و کارگزاران حکومتی، توجه می‌یابد و حتی از جهاتی توجه این تکلیف به حکومت و دولتمردان با تأکید و توجیه بیشتری همراه است.
۴. از عموم و اطلاق آیه ۱۲ سوره حجرات، تعمیم از حیث مورد تجسس، افراد مورد تجسس و افراد مکلف به رعایت استفاده می‌شود و این حق در رابطه مردم و حکومت، از جمله «حقوق شهروندی» محسوب می‌گردد و عواملی چون طبقه اجتماعی، شغل، دین، مذهب و مانند آن در اصل این حق بی‌تأثیر است و رسالت حکومت اسلامی در برقراری امنیت فردی و اجتماعی برای عموم شهروندان تحت حاکمیت خود، اقتضا می‌کند همه مردم به‌گونه یکسان از این حق برخوردار باشند.
۵. مستفاد از آیات، فلسفه لزوم رعایت حریم خصوصی، احساس امنیت اشخاص توأم با آزادی عمل در خلوت است؛ از این‌رو دیده می‌شود صرف اذن ورود، کافی نیست و نوعی استیناس برای ورود به خلوت دیگران لازم دانسته شده است که معنایی فراتر از صرف اذن‌گرفتن را می‌رساند.
۶. آیه ۲۶ سوره ذاریات، وجود اندرونی و بیرونی در چگونگی رویارویی با واردین به خانه و نوعی از سبک مؤمنانه را اشاره می‌کند؛ لازم است این نتیجه در تنظیم سبک



زندگی از جمله در نوع ساخت مسکن و اماکن مورد توجه قرار گیرد تا مردم ضمن عمل به واجبات فردی و اجتماعی، از آزادی عمل در خلوت و سهولت در اتخاذ نوع پوشش و مانند آن نیز برخوردار باشند.

منابع

۱. اصفهانی، محمدحسین؛ الإجارة؛ قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۹ق.
۲. انصاری، باقر؛ حقوق حریم خصوصی؛ تهران: انتشارات سمت، ۱۳۹۸.
۳. انوری، حسن؛ فرهنگ بزرگ سخن؛ تهران: انتشارات سخن، ۱۳۸۱.
۴. بشروی خراسانی (فاضل تونی)، عبدالله بن محمد؛ الوافیة؛ قم: مجمع الفکر الإسلامی، ۱۴۱۲ق.
۵. ثقفی تهرانی، محمد؛ تفسیر روان جاوید؛ تهران: انتشارات برهان، ۱۳۹۸ق.
۶. جعفری لنگرودی، محمدجعفر؛ مبسوط در ترمینولوژی حقوق؛ ج ۳، تهران: گنج دانش، ۱۳۷۸.
۷. حاجی ده‌آبادی، احمد؛ قواعد فقه جزایی؛ قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۱.
۸. حائری، محمدحسن، نصرالله شاملی و علی‌اکبر بابوکانی؛ تجسس؛ ج ۵، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۹۱.
۹. حسینی شاه عبدالعظیمی، حسین؛ تفسیر اثنی عشری؛ تهران: انتشارات میقات، ۱۳۶۳.
۱۰. حکیم، سیدمحسن؛ منهاج الصالحین؛ ج ۱، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات، ۱۴۱۰ق.
۱۱. حلّی، حسن بن یوسف بن مطهر؛ تذکرة الفقهاء؛ قم: مؤسسه آل‌البتیة لإحياء التراث العربی، [بی تا].
۱۲. خمینی، سیدروح‌الله؛ الإجتهد والتقلید؛ قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام

- خمینی، ۱۴۱۸ق.
۱۳. خمینی، سیدروح الله؛ تحریر الوسیله؛ ج ۱، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۴.
۱۴. خمینی، سیدروح الله؛ کتاب البیع؛ ج ۱، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۴۲۸ق.
۱۵. دعموش عاملی، علی؛ دائرة المعارف اطلاعات و امنیت در آثار و متون اسلامی؛ ترجمه غلامحسین قاری مهیاری و رضا گرمابدری؛ ج ۱، تهران: انتشارات دانشگاه امام حسین، ۱۳۸۲.
۱۶. دهخدا، علی اکبر؛ لغت نامه؛ زیر نظر محمد معین و سیدجعفر شهیدی؛ تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۳.
۱۷. راوندی، قطب الدین و سعیدبن عبدالله؛ فقه القرآن؛ ج ۲، چ ۲، قم: انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۵ق.
۱۸. سبحانی تبریزی، جعفر؛ مبانی حکومت اسلامی؛ قم: مؤسسه علمی فرهنگی سیدالشهدا، ۱۳۷۰.
۱۹. سروش محلاتی، محمد؛ «اصل عدم ولایت»، فصلنامه علوم سیاسی؛ ش ۲۵، بهار ۱۳۸۳، ص ۶۳-۷۲.
۲۰. سیوطی، جلال الدین؛ الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور؛ ج ۲، قاهره: مرکز هجر للبحوث والدراسات العربیة والإسلامیة، ۱۴۲۴ق.
۲۱. شبیری زنجانی، سیدموسی؛ کتاب النکاح؛ قم: مؤسسه رأی پرداز، ۱۳۷۸.
۲۲. شرتونی، سعید؛ أقرب الموارد فی فُصح العربیة والشوارید؛ قم: مکتبه آیت الله العظمی مرعشی نجفی، ۱۴۰۳ق.
۲۳. صدر، سیدمحمدصادق؛ ماوراء الفقه؛ ج ۵، چ ۵، بیروت: دارالأضواء، ۱۴۱۷ق.
۲۴. طباطبایی بروجردی، حسین؛ البدر الزاهر فی صلاة الجمعة والمسافر؛ قم: مکتبه آیه الله العظمی منتظری، ۱۴۱۶.
۲۵. طباطبایی، سیدمحمدحسین؛ ترجمه تفسیر المیزان؛ ج ۱۵، ترجمه سیدمحمدباقر

- موسوی؛ قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۸۶.
۲۶. طباطبایی، سیدمحمدحسین؛ تفسیرالمیزان؛ ج ۴، چ ۵، تهران: دارالکتب الإسلامیه، ۱۳۷۲.
۲۷. طباطبایی، سیدمحمدحسین؛ ولایت و زعامت (بحثی درباره مرجعیت و روحانیت)؛ تهران: شرکت انتشار، ۱۳۴۱.
۲۸. طبرسی، فضل بن حسن؛ مجمع البیان فی تفسیر القرآن؛ ج ۵ و ۷، تهران: انتشارات ناصرخسرو، ۱۳۷۲.
۲۹. طبری، محمد بن جریر؛ جامع البیان فی تفسیر القرآن؛ ج ۲۶، بیروت: دارالمعرفه، ۱۴۱۲ق.
۳۰. طریحی، فخرالدین؛ مجمع البحرین؛ ج ۴، چ ۳، تهران: کتابفروشی مرتضوی، ۱۴۱۶ق.
۳۱. طوسی، محمد بن حسن؛ التبیان فی تفسیر القرآن؛ ج ۹، بیروت: دار احیاء التراث العربی، [بی تا].
۳۲. طیب، سیدعبدالحسین؛ أظیب البیان فی تفسیر القرآن؛ چ ۲، تهران: انتشارات اسلام، ۱۳۷۸.
۳۳. عاملی (شهید ثانی)، زین الدین بن علی؛ الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة؛ ج ۲، قم: کتابفروشی داوری، ۱۴۱۰ق.
۳۴. عمید زنجانی، عباسعلی؛ فقه سیاسی؛ ج ۱، چ ۴، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۴۲۱ق.
۳۵. فاضل آبی، حسن بن ابی طالب؛ کشف الرموز فی شرح مختصر النافع؛ تحقیق علی پناه اشتهاردی و حسین یزدی؛ ج ۲، قم: دفتر انتشارات سلامی، ۱۴۱۶ق.
۳۶. فاضل لنکرانی، محمد؛ تفصیل الشریعة فی تحریر الوسیلة؛ قم: مرکز فقه ائمه الاطهار، ۱۴۰۸ق.
۳۷. فراهیدی، خلیل بن احمد؛ کتاب العین؛ ج ۸، قم: چاپ مهدی مخزومی و ابراهیم سامرای، ۱۴۰۹ق.

۳۸. قرآنی، محسن؛ تفسیر نور؛ ج ۶، چ ۱۱، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۳.
۳۹. قرشی، سیدعلی اکبر؛ قاموس قرآن؛ ج ۲ و ۳، چ ۶، تهران: دارالکتب الإسلامیه، ۱۴۱۲ق.
۴۰. قمی (میرزای قمی)، سیدابوالقاسم؛ قوانین الأصول؛ ج ۲، قم: مکتبه العلمیه الإسلامیه، [بی تا].
۴۱. قنواتی، جلیل و حسین جاوید؛ «حریم خصوصی؛ حق یا حکم»، حقوق اسلامی؛ ش ۳۱، زمستان ۱۳۹۰، ص ۷-۳۲.
۴۲. کلینی، ابوجعفر محمدبن یعقوب؛ الکافی؛ ج ۵، چ ۲، تهران: دارالکتب الإسلامیه، ۱۳۶۲.
۴۳. کوشکی، غلامحسین و رضا موسوی آزاده؛ «از شناسایی منع تجسس به مثابه قاعده‌ای فقهی، تا انعکاس آثار آن در نظام دادرسی کیفری ایران»، پژوهشنامه حقوق اسلامی؛ ش ۴۷، بهار و تابستان ۱۳۹۷، ص ۱۵۵-۱۸۰.
۴۴. مجلسی، محمدتقی؛ روضة المتقین فی شرح من لایحضره الفقیه؛ ج ۶، تهران: مؤسسه کوشانپور، ۱۴۰۶ق.
۴۵. مطهری، مرتضی؛ مجموعه آثار (فقه و حقوق)؛ قم: انتشارات صدرا، [بی تا].
۴۶. مکارم شیرازی، ناصر و برخی نویسندگان؛ برگزیده تفسیر نمونه؛ تنظیم احمد علی بابایی؛ تهران: دارالکتب الإسلامیه، ۱۳۸۶.
۴۷. مکارم شیرازی، ناصر؛ تفسیر نمونه؛ ج ۱۴، تهران: دارالکتب الإسلامیه، ۱۳۸۰.
۴۸. میبدی، احمدبن محمد؛ کشف الأسرار و عدة الأبرار (تفسیر خواجه عبدالله انصاری)؛ ج ۶، چ ۵، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۱.
۴۹. نایینی، میرزاحمدحسن؛ تنبیه الأمة و تنزیه الملة؛ مقدمه و توضیح سیدمحمود طالقانی؛ تهران: شرکت سهامی انتشار، [بی تا].
۵۰. نراقی، احمدبن محمد مهدی؛ عوائد الأيام فی بیان قواعد الأحکام؛ قم: بوستان کتاب، ۱۴۱۷ق.

